

رابطه مردم و رئیس جمهور



محمدهادی جعفرپور

وکیل دادگستری

در آستانه‌ی تشکیل چهاردهمین دولت جمهوری اسلامی ایران لازم است داوطلبان تصدی کرسی ریاست‌جمهوری و سایر اشخاص تأثیرگذار در بدنه‌ی حکومت برای یکبار هم که شده راجع به این مسئله تأمل کنند که اساساً فلسفه‌ی انتخاب‌رئیس‌جمهور توسط مردم چیست؟ اهمیت اراده و خواست ملت در کارزار انتخابات بنا به کدام فلسفه‌ی حاکمیتی تعریف شده؟ آیا تمامی شهروندان ایران از هر قشر و طبقه‌ای که هستند در این رویداد سیاسی و نتایج آن نقش و سهمی واحد دارند؟

رئیس‌جمهور بنا بر اصل ۱۲۱ سؤگند یاد می‌کند تا پاسدار قانون اساسی بوده و از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته، حمایت کند و در اصل ۱۲۲ تصریح شده که رئیس‌جمهور در حدود اختیارات و وظایفی که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی بر عهده دارد، در برابر ملت مسئول است. رئیس‌جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی کشور پس از رهبری مستند به اصل ۱۱۳ قانون اساسی مسئول اجرای قانون اساسی تعریف شده است. با این فرض این سوال مطرح است که در سیزده دولت گذشته چه میزان از حقوق مردم ایران که در فصل سوم قانون اساسی با عنوان حقوق ملت تعریف شده، به‌مرحله‌ی اجرا درآمده و عملیاتی شده است؟ بنا بر آنچه در تعریف‌مصداق حقوق شهروندی و حقوق اساسی ملت دیده‌ایم، بر خورداری از حداقل حقوق تصریح‌شده در قانون اساسی تحت عنوان حقوق ملت، ابتدایی‌ترین امتیازی است که هر شهروند ایرانی می‌بایست از آن بهره‌مند شود. آیا در جامعه‌ی فعلی، مردم ایران واجد چنین حقوقی هستند و یا اینکه با درجه‌بندی شهروندان حق استیفاء از حقوق ملت نیز به در جات مختلف تقسیم می‌شود؟ آنچه که از تحلیل عملکرد دولت‌های اخیر در بر خورد با تأمین حقوق ملت و برآورد اهمیت حقوق ابتدایی ملت در برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی دولت‌ها استنتاج می‌شود، مؤید این موضوع است که در صد قابل توجهی از ملت لاف‌لاقل در مقوله‌ی امنیت اقتصادی و رفاه اجتماعی شهروند در چه چندم هستند و تنها عده‌ای خاص با همان ۴ درصد معروف شهروند در چه یک هستند!!

در نظام تقنینی-سیاسی ایران مقررات و قوانین متنوعی انشاء شده است که وجه اشتراک تمام مقررات مذکور اعم از منشور حقوق شهروندی، قانون احترام به آزادی‌های مشروع، عیانت از حقوق شهروندی و حریم امنیت عمومی... و تبیین و شناسایی حقوق اساسی و شهروندی ملت است.

نظریه‌پردازان حقوق عمومی با توجه به مفهوم حقوق بشر (حقوق اساسی) و حقوق شهروندی با تحلیل عناصر شکل‌دهنده‌ی این حقوق بر این باور و نظر هستند که بنا بر موازین پذیرفته‌شده در مبانی حقوق بشر، تمام آحاد ملت از هر جنس و نژاد و رتبه که هستند واجد حقوقی برابرند؛ لذا بنا بر استانداردهای حقوق بشری در هیچ جامعه‌ای شهروندان درجه‌بندی نشده، همه‌ی مردم شهروند در چه یک و تمام مردم از حقوق بشر منتفع هستند. در مقابل باید پذیرفت در تعریف مصداقی حقوق شهروندی نمی‌توان مدعی شد که مردم به طور تمام و کمال از امتیازات لازم یک شهروند ساده بر خوردار هستند؛ اینجا است که مسئله‌ی درجه‌بندی شهروندان بروز و ظهور می‌کند. طرفداران این نظریه چنین اظهارنظر می‌کنند که بر خلاف حقوق بشر که امری است مطلق، حقوق شهروندی از قاعده نسبیت پیروی کرده؛ امری است نسبی و این سرفراز چالش‌ی است در قامت درجه‌بندی شهروندان.

برخی در توجیه این نظریه بر این باور که بهره‌مندی از حقوق شهروندی منوط به وفاداری به آرمان جمعی جامعه(وفاداری به نظام حاکم) است لذا آن دسته از افراد جامعه که به دولت(به‌عنوان نماینده‌ی سعادت جمعی) وفادارتر هستند در تعریف شهروند خوب شناخته‌شده،

لذا مستحق‌بیشترین بهره‌مندی از حقوق شهروندی اند. در این فرض سوال اساسی و مهمی که مطرح می‌شود آن است که آیا منتقدان و معترضین سیاست‌های دولت علی‌رغم احراز وفاداری ایشان به نظام در تعریف شهروند خوب قرار می‌گیرند؟

معیار و ملاک وفاداری به دولت امری است نسبی یا مطلق؟ به عبارتی این میزان از وفاداری توسط کدام نهاد و مرجع تعریف می‌شود؟ با این فرض که قانون اساسی کشور به عنوان میثاق مدنی شهروندان جامعه و حاکمیت مورد پذیرش مردم قرار گرفته است، آیا ملاک و معیار ارزشمندتری برای سنجش وفاداری شهروندان به دولت نیاز داریم؟ چنانچه شهروندان نسبت به مطالبات حقوق حقه‌ی خویش مستند به همان مقرراتی که توسط حاکمیت در عناوین متنوع با محوریت حقوق شهروندی انشاء شده است معترض باشند باید به وفاداری ایشان به نظام شک کرد؟

در یک قیاس منطقی پاسخ منفی است چرا که شهروند مورد اشاره بنا بر قانون و مقرراتی که توسط حاکمیت انشاء شده است، وفاداری خویش را به نظام بروز داده و حال نیز بنا بر همان قانون، حقوق شهروندی خویش را مطالبه می‌کند. به عبارتی مبتنی بر همان قواعدی که حقوق شهروندی تعریف شده است هر یک از شهروندان حق دارند پیگیر مطالبات قانونی خویش باشند.

قانون اساسی در اصل بیستم، ملت ایران را بر خوردار از حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دانسته و در ادامه اصل ۲۲ مقرر می‌کند: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن، شغل اشخاص از تعرض مصون هستند. آنچه که تحت عنوان حقوق ملت در اصول ۲۱ تا ۴۱ تصریح شده است، مؤید نقش مهم و غیرقابل انکار مقوله‌ی امنیت در یک نظام سیاسی به عنوان حق مسلم شهروندان و تکلیفی بر عهده دولت به معنای اخص آن یعنی قوه مجریه است. با این وصف ضمانت اجرای اعمال اصل ۱۱۳ قانون اساسی که دولت را مسئول اجرا و اعمال اصول مربوط به حقوق ملت دانسته، چیست؟ چنانچه رئیس‌جمهور در دوره‌ی تصدی خویش بر خلاف مفاد سؤگندنامه بدون توجه به مصالح ملت رفتار کرد، طریق عملی الزام وی به پاسخگویی بنا بر اصل ۱۲۲ که مقرر می‌کند وی در برابر ملت / رهبری / قوه مقننه مکلف به پاسخگویی است، چیست؟ شهروندی که با حضور در انتخابات وفاداری و پایبندی اش را به سیاست‌های کلی نظام اعلام داشته، حق دارد در مواجهه با قصور دولتمردان، معترض شده، حقوق خویش را مطالبه کند؟ آیا این اعتراض مدنی دلیل و موجب موجعی است برای درجه‌بندی شهروندان؟ ادعا و نظراتی مانند: آنان که نارضایی اند می‌توانند جمع کرده به دیار دیگر هجرت کنند یا این مملکت، مملکت حزب‌اللهی هاست و... فرقه‌ی این بر حاکم بودن نظریه درجه‌بندی شهروندان نزد حاکمیت و افراد تأثیرگذار در بدنه‌ی حکومت نیست؟

اصل ۴۳ قانون اساسی مقرر می‌کند: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و... اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط ذیل استوار می‌باشد و در ادامه به؛ بهداشت، درمان، آموزش، شغل، تولید، تنظیم ساعت کار به نوعی که هر فرد علاوه بر اشتغال وقت کافی برای خودسازی معنوی و سیاسی و اجتماعی داشته باشد، اشاره کرده است. در یک فضای منصفانه این پرسش قابل طرح است که چند درصد از مردم منطبق بر بند ۴۳ علاوه بر داشتن شغل مناسب فرصتی برای خودسازی معنوی-اجتماعی یا سیاسی و... دارند؟ طی چهار دهه‌ی گذشته چند درصد از این اهداف توسط دولت‌های وقت به منصفه ظهور رسیده و عملیاتی شده؟ چند درصد از مردم دارای شغل مناسب یا چند درصد مردم توان تأمین مایحتاج اولیه خویش را دارند؟ کدامیک از دولت‌ها بنا بر اصول قانون اساسی راجع به موضوعات اقتصادی مانند وضعیت معیشت مردم یا بی‌ثباتی بازار و عدم امنیت اقتصادی شهروندان پاسخگو بوده‌اند؟ آمار ارائه‌شده راجع به خط فقر و تفاوت فاحش طبقات مختلف جامعه در بهره‌مندی از حقوق ابتدایی که سبب تعریف جدیدی از فاصله‌ی طبقاتی شده تا چه میزان به عملکرد دولت‌های گذشته مرتبط است؟ آیا اعمال حاکمیتی دولت‌های گذشته سبب تقویت نظریه‌ی درجه‌بندی شهروندان در جامعه‌ی ایرانی نبوده؟

تیتریک

۲

HEADLINE ONE

گزارش یک



رأی خاتمی

بررسی تأثیر حمایت رئیس دولت اصلاحات از مسعود پزشکیان بر معادلات انتخابات

«دکتر مسعود پزشکیان عصر امروز با سیدمحمدخاتمی دیدار کرد.» در این دیدار، رئیس دولت اصلاحات با تقدیر از ساده‌زیستی، پاکدستی، مردم‌گرایی، شجاعت و پایبندی دکتر پزشکیان به موازین اخلاقی، اظهار امیدواری کرد تا جامعه‌ی خواستار تحول و اصلاح رویکردها و رویه‌های حاکم؛ برنامه‌ها، اولویت‌ها و گروه همکاران ایشان را در جهت خواسته‌های خود ببینند و اعتماد جامعه به دولت و انتخابات برگردد. سیدمحمد خاتمی افزود: «همانگونه که پیش از تأیید صلاحیت نامزدها گفته‌ام، خود را متعهد به حمایت از نامزدهای جبهه اصلاحات می‌دانم. حال با ابراز تأسف از ز ناموجه بسیاری از نامزدهای شایسته، اعلام می‌کنم که به‌عنوان یک شهروند طالب خیر و صلاح ملت و اصلاح امور، به‌دکتر پزشکیان رأی خواهم داد.»

می‌توان نتیجه را تغییر داد

حمیدرضا جلالی‌پور، جامعه‌شناس درباره تأثیر حمایت خاتمی از پزشکیان و روند انتخابات پیش رو به «هم‌میهن» گفت: «خوشبختانه در این انتخابات جناب آقای خاتمی و همه نهادهای و نیروهای متشکل اصلی اصلاح‌طلبان مشارکت‌گرایانه عمل کرده‌اند و پای کار حمایت از نامزدی دکتر پزشکیان در انتخابات‌اند. به نظر بخشی از آراء خاکستری و مرده‌ها و پیروزه بعد از مناظره‌ها و در روزهای پایانی به موج حمایت از پزشکیان خواهند پیوست و شاید تا ۱۰ درصد افزایش مشارکت به نسبت امروز رخ دهد.»

این استاد دانشگاه تهران در پاسخ به این سوال که این موج چگونه ایجاد خواهد شد، اظهار داشت: «اگر همه نیروهای متشکل صلح‌تمام‌قد و یکبار چه فعال شوند در روزهای آتی ده‌ها هزار نفر از نیروهای مرجع مدنی و متنفذان گروه‌های اجتماعی مختلف می‌توانند همراه شوند. همچنین در صورت کسب

گزارش دو

وعده به گرسنگان؟

تحلیلگران اجتماعی و سیاسی وعده توزیع گوشت زاکانی را در گفت‌وگو با هم‌میهن وا‌کاوی کردند

توانمندی اقتصادی و معیشتی همراهی کند، قابل سرایت به اقتصاد کلان و معیشت ملت نیست و بر خلاف این قوانین است. این سخنان زاکانی این شائبه را به وجود می‌آورد که اگر شقوق‌های لازم برای ترمیم بافت‌های ناپایدار و فرسوده به مردم داده شود، مردم خوششان با این نقدی‌نگی سرگردان می‌توانند به جای ۴ میلیون مسکن و وعده دولت، ۱۰ میلیون واحد مسکن بسازند. در بهار ۸۸ مخالفان دولت احمدی‌نژاد که در سوی مخالف اودر انتخابات قرار داشتند، سبب‌زمنی‌ها را به سبب کشیدن تا به عملکرد او در دولت نهم انتقاد کنند. آنها معتقد بودند اقدام احمدی‌نژاد در توزیع رایگان سیب‌زمینی در شهرستان‌ها عملی‌پوپولیستی است و او قصد دارد با این کار برای انتخابات رای مردم را بخرد تا سیب‌زمینی هم وارد سیاست شود و حتی در اردوهای انتخاباتی در سال ۸۸ حضور پررنگ داشته باشد. این نوع اظهارات البته نشان می‌دهد که برخی از فعالان میدان سیاست دچار کج‌فهمی نسبت به عمق مشکلات و مطالبات ملت بوده و تصویر ساده‌انگارانه‌ا مسیر مدیریت کشور دارند. فعالیت‌ها و وعده‌های انتخاباتی بی‌چار چوب نیستند و قواعدی بر آنها حاکم است: «هرگونه تخریب، تهدید، هتک حرمت و حیثیت اشخاص حقیقی و حقوقی، نوشتن یا اظهار مطالب خلاف واقع، دیورابوسی، تخریب یا پاره کردن عکس و دیگر آثار تبلیغی نامزدها، استفاده از آثار تبلیغاتی متضمن موارد مغایر با عفت عمومی، اخلاق و بر هم زدن اجتماعات و سخنرانی‌های قانونی و تعرض به ستادهای انتخاباتی نامزدهای دیگر، تخلف‌انتخاباتی محسوب می‌شوند.» سوال این است که آیا دادن وعده‌هایی که نشان‌دهنده نگاه تحقیرآمیز به مطالبات ملت است را هم می‌توان از مصادیق توهین به حیثیت ملت به‌عنوان شخص حقوقی و قابل پیگرد یا حداقل تذکر دانست.

پوسته خالی دموکراسی

«وعده به‌یک کشور گرسنه» استنباط صادق پیوسته، جامعه‌شناس سیاسی و استاد دانشگاه از وعده زاکانی است: «اینگونه صحبت‌ها در شان شهروندان نیست اما زاکانی و همفکران او شرایطی را ایجاد کرده‌اند که سطح وعده‌های انتخاباتی تا این حد پایین آمده است.» او درباره رواج نگاه کمیت‌امدادی به‌نیازهای ملت به هم‌میهن می‌گوید: «کمیت‌ه امداد همانطور که از نام آن پیداست کمیت‌ه‌ای برای حل یک مشکل و بعد به



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

رئیس دولت اصلاحات، رئیس‌جمهوری که نامش با واقعه تاریخی دوم خرداد رقم خورده است، به صحنه انتخابات چهاردهم وارد شد و از مسعود پزشکیان حمایت کرد. سیدمحمد خاتمی تر جیح داده بود که در انتخابات مجلس دوازدهم شرکت نکند تا به نحوی اعتراض خود را نشان دهد. پس از اعلام راهبرد مشارکت مشروط جبهه اصلاحات و ورود به صحنه در صورت تأیید صلاحیت نامزدهای مورد تأیید این تشکیلات، خاتمی نیز طی بیانیه‌ای اعلام کرد که اگر شرایط لازم مهیا شود، در انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم شرکت خواهد کرد. پنجشنبه به‌طور رسمی اعلام شد که خاتمی به پزشکیان رای خواهد داد.

روایت یک دیدار

روز ۲۰ خرداد خروجی تصمیم شورای نگهبان اعلام شد و در تمام این روزها که احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب حمایت خود را از پزشکیان اعلام می‌کردند، چشم‌ها منتظر نامی بود که در اخبار بیاید. در نهایت، روز پنجشنبه ۲۴ خرداد، دیدار خاتمی با پزشکیان در مراسم ختم مرحوم جعفر نیلی منفرد، از مدیران ارشد وزارت علوم انجام و تصاویر آن در فضای مجازی منتشر شد. عصر پنجشنبه خبری رسمی از سوی دفتر خاتمی مبنی بر اینکه رئیس دولت اصلاحات به پزشکیان رای خواهد داد، منتشر شد. در این بیانیه آمده بود:



شادی مکی

گزارشگر هم‌میهن

این روزها اظهارنظرها و وعده‌های درست و غلط انتخاباتی نقل محافل است و بازار ی داغ دارد. مانند «تحویل گوشت درب خانه مردم به اندازه مورد نیاز آنها»، وعده انتخاباتی علی‌رضا زاکانی برای شهروندان. او گفته: «روزی ۱۲۰ تن گوشت توزیع می‌کنیم و آن را افزایش می‌دهیم. با نرم‌افزارهای موبایلی به اندازه نیاز مردم درب منزل به آن‌ها تحویل خواهیم داد. از ۷ تا ۸ ماه پیش با دولت این موضوع را مطرح کردیم و زیرساخت‌های آن از سال گذشته آماده بود. بنا بود این ماه رئیس‌جمهور شهید طرح‌های مدیریت شهری برای تأمین و توزیع نیازهای مردم را افتتاح کنند.» این اظهارات زاکانی البته بیش از آنکه دلگرم‌کننده بوده و نوید رفع مشکلات معیشتی مردم را دهد، شائبه نگاه تحقیرآمیز به ملت را در جامعه ایجاد می‌کند؛ چنانکه گویا شهروندان نه صاحبان اصلی ملک و کشور که حیره خواران دولت‌مردانی هستند که اجازه دارند میزان نیاز آنها به مواد غذایی را تخمین و به همان میزان هم در بخش خانه مردم توزیع کنند. اگر چه این سخن زاکانی نوعی اعتراف غیر مستقیم به جز معیشتی ملت و نشان‌دهنده تورم افسارگرفته به‌ویژه در بخش خوراک‌ی‌ها و آشامیدنی‌ها است اما اگر در اطراف زاکانی مشاوران اقتصادی متبحری حضور داشتند حتماً به او گوشزد می‌کردند که دادن مسکن به مردم به‌جای در زمان ریشه درد و عفونت، راهکار رفع ناکارآمدی اقتصادی که کشور در گرفتار آن شده، نیست. قطعاً او اگر از مشاوران حقوقی مسلط بر قانون اساسی کشور بهره می‌گرفت حتماً متوجه می‌شد که زندگی مرفه و رفح فقر از موارد مطرح در قانون اساسی کشور است که در بند ۱۲ اصل سوم قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته: «پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفح فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.» با نگاهی به همین بند از نقشه‌راه ساختار حکمرانی کشور متوجه خواهیم شد که نگاه اصطلاحاً کمیت‌ه امدادی که قرار بود تنها بخشی از جامعه را تا رسیدن به